Research on Medicine Original Article

The Quarterly journal of School of Medicine, Shahid Beheshti University of Medical Sciences Vol.40; No.3; 2016

# Comparison of the personality characteristics, physical and psychological abuse in spousal abused applicants in divorced and normal women

**Hossein Faker-Khorasani[1], Hamid Davoodabadi[2], Akram Zakeri[2], Masuod Janbozorgi[3], Mahboubeh Dastani[4]**

*1. Department of Psychiatry, Qom university of Medical Sciences, Qom, Iran*
*2. Qom Legal Medicine Organization, Qom, Iran*
*3. Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran*
*4. Department of Clinical Psychology of Shahed University, Tehran, Iran*

(Received:2015/04/25 Accept: 2016/11/14)

## Abstract

***Background:*** *Violence against women is an important public health problem that has short-term and long-term mental and physical health outcomes for women and their families. The aim of this study was comparing the personality characteristics and the rate of spouse abuse in spouse abused, applicant in divorce and normal women.*
***Method:*** *Sample included married women, 300 from spouse abused women and 200 from divorced applicant who referred to family court were selected and compared with the 154 normal women. For gathering data we used the NEO-FFI and ISA and a demographic questionnaire. Three groups were compared using analysis of covariance.*
***Results:*** *Findings showed the characteristics of agreeableness and neuroticism in spouse-abused women were more and extroversion was less than the other groups. Also the openness to experience in applicant in divorce women was more than the normal group. Physical abuse in 3 groups was ($p>0.0001$): normal women 13/04±3/8, applicant divorce 24/25±9/81 and spouse abused women 35/9±8/55. Findings were similar to psychological abuse.*
***Conclusion:*** *It appears that spouse abused women because of their high rate of neuroticism showed more impulsive behaviours, hostile, anxiety and depression will lead to worse problems. However, they also showed more accompaniment and softened, and could not to solve their problems. Therefore, for future research recommended investigating effects of life skills training on changing the status of women abuse.*

***Keywords:*** *Personality characteristics, Physical spousal abuse, Psychological spousal abuse, Spouse abused women, Applicant in divorce women*

** Corresponding Author: Mahboubeh Dastani**
*Email: mdastani63@yahoo.com*

[ Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-16 ]

پژوهش در پزشکی
فصلنامه علمی پژوهشی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی
مقاله پژوهشی
دور ۴۰، شماره ۳، ۱۳۹۵، صفحات ۱۵۵ تا ۱۶۰

# مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و آزاردیدگی جسمی و روانی در زنان همسر آزار دیده، متقاضی طلاق و عادی

حسین فاکر خراسانی[۱]، حمید داوودآبادی[۲]، اکرم ذاکری[۲]، مسعود جان بزرگی[۳]، محبوبه داستانی*[۴]

۱- گروه روان‌پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران
۲- سازمان پزشکی قانونی استان قم، قم، ایران
۳- گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم، قم، ایران
۴- گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه شاهد، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۲/۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۸/۲۴

## چکیده:

**سابقه و هدف:** خشونت در مقابل زنان یک مسئله مهم سلامت عمومی است که پیامدهای سلامت ذهنی و جسمی کوتاه مدت و بلند مدتی برای زنان و خانواده‌هایشان دارد. هدف مطالعه حاضر مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و میزان همسر آزاری در زنان همسر آزاردیده، متقاضی طلاق و عادی است.

**مواد و روش‌ها:** طرح پژوهش از نوع مورد-شاهدی است. نمونه پژوهش شامل زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده است که ۳۰۰ نفر برای گروه زنان همسر آزار دیده، ۲۰۰ نفر در گروه زنان متقاضی طلاق انتخاب و با ۱۵۴ نفر از زنان عادی مقایسه شدند. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه شخصیتی *NEO-FFI* و شاخص همسرآزاری *ISA* و یک پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی استفاده شد. سه گروه با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس مقایسه شدند.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی موافق بودن و روان‌آزردگی(نوروزگرایی) در گروه زنان همسر آزاردیده بیشتر و برونگرایی در آنها کمتر از دو گروه دیگر بود، همچنین تجربه پذیری در افراد متقاضی طلاق بیشتر از گروه عادی مشاهده شد. میزان همسر آزاردیدگی جسمی در زنان عادی ۳/۸ ± ۱۳/۰۴، طلاق گرفته ۹/۸۱±۱۴/۲۵ و همسرآزاردیده ۸/۵۵±۳۵/۹ ($p>0/001$) به دست آمد. نتایج در همسرآزاردیدگی روانی نیز به همین صورت بود.

**نتیجه‌گیری:** به نظر می‌رسد زنان همسرآزاردیده به واسطه روان آزرده خویی بالای خود، رفتارهای تکانشی، خصومت، اضطراب، افسردگی و آسیب‌پذیری بیشتری از خود نشان می‌دهند که منجر به تشدید مشکلات‌شان می‌شود. در عین حال همراهی و نرمش بیشتری نشان می‌دهند و به خاطر برونگرایی پایین قادر به حل مسئله خود نیستند. بنابراین توصیه می‌شود در تحقیق‌های آتی نقش آموزش مهارت‌های زندگی در تغییر وضعیت آزاردیدگی زنان بررسی شود.

**واژگان کلیدی:** ویژگی‌های شخصیتی، همسر آزاری ، زنان همسر آزاردیده، زنان متقاضی طلاق

## مقدمه:

خانواده، واحدی عاطفی اجتماعی است که کانون رشد و التیام، تغییر و تحول و آسیب شناسی اعضا و روابط بین آن‌هاست. همچنین خانواده عامل همبستگی و شرط تعادل اجتماعی و رکن اصلی جامعه است که در هر عصری و نسلی عملکرد دارد و محصولات این عملکرد در الگوهای تعاملاتی اعضایش تجلی می‌کند [۱]. ملاک کارایی خانواده این نیست که در آن فشار روانی، تعارض و مشکلی وجود نداشته باشد، بلکه این است که خانواده تا چه اندازه در تحقق وظایف و کارکردهایش توانایی دارد. بنابراین شکست خانواده در انجام وظایف و کارایی آن روابط اعضا را سست می‌کند و پدیده‌هایی مثل همسرآزاری یا طلاق می‌تواند ثمره ناکامی اعضا در تحقق وظایف محول شده باشد[۲].

مطابق تعریف سازمان بهداشت جهانی [۳] خشونت خانوادگی و همسرآزاری عبارت است از خشونتی که بیشتر بین اعضای خانواده و همسران اتفاق می‌افتد و به طور معمول، نه منحصرا، در خانه رخ می‌دهد. همسرآزاری یعنی هر رفتاری در طول یک رابطه صمیمی که موجب صدمه جسمی، جنسی یا روان‌شناختی شود [۴]. خشونت

**نویسنده مسئول:** محبوبه داستانی
**پست الکترونیک:** *yahoo.com@mdastani63*



[ Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-16 ]

در مقابل زنان یک مسئله مهم سلامت عمومی است که پیامدهای سلامت ذهنی و جسمی کوتاه‌مدت و بلندمدتی برای زنان و خانواده‌هایشان دارد[۵]. پژوهش‌ها میزان همسرآزاری مشاهده شده در برخی کشورها را به این شرح گزارش کرده‌اند: مصر ۳۴درصد، اتیوپی ۴۵درصد، نیجریه ۳۱درصد، شیلی ۲۱درصد، مکزیک ۴۰درصد، کانادا ۲۹درصد، سوئیس ۲۱درصد و ترکیه ۵۸درصد. همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهد در آمریکا ۳۰ تا ۳۵ درصد زنان مورد آزار جسمی شوهران خود قرار می‌گیرند [۶]. سیف ربیعی و همکاران [۷] میزان همسرآزاری در شهرتهران را ۴۱/۷ درصد و شایع‌ترین انواع همسرآزاری را قهر و کم محلی، تحقیر و سرزنش و فحش و ناسزا گزارش کرده‌اند. همچنین میرزایی و همکاران [۸] میزان همسرآزاری در شهراصفهان را ۲۴ درصد گزارش کرده‌اند که بیشترین موارد آزار شامل نداشتن اجازه خروج به تنهایی از منزل، قهر هنگام ناراحتی و تحقیر و سرزنش بود که از گسترش شکل‌های روانی همسرآزاری در جامعه حکایت دارد [۹]. همچنین طلاق و همسرآزاری پیامدهای منفی فراوانی برای فرد، فرزندان و به تبع آن برای جامعه دارد. تحقیق‌ها نشان داده است مشکلات زناشویی عامل مهمی در ۵۰ درصد از پذیرش شدگان بیمارستان‌های روانی است. افراد مطلقه در معرض خطر روزافزون افسردگی و خودکشی، پذیرش در بیمارستان‌های روانی، آسیب‌پذیری در مقابل بیماری‌های فیزیکی و اقدام به خشونت و قتل، افزایش تصادفات اتومبیل منجر به مرگ و عملکرد تحصیلی پایین در فرزندان هستند[۱۰ و۱۱].Amato و Cheadle [۱۲] نشان دادند که تعارضات خانوادگی و طلاق والدین، به مشکلات رفتاری و حتی بیولوژیکی در کودکان منجر می‌شود و در مطالعه McFarlane و همکاران [۱۳] کودکان سنین ۶تا۱۸سال از مادران آزاردیده مشکلات رفتاری بیشتری نسبت به بچه‌هایی از همان سن و جنس از مادران آزارندیده نشان می‌دادند. در تحقیق بک و همکاران [۶]، ۶۷/۸ درصد از زنان متقاضی طلاق سابقه آزاردیدگی جسمی و روانی را گزارش کرده‌اند. Shortt و همکاران [۱۴] نشان دادند عاطفه منفی برون‌سازی شده با آزاردیدگی و رضایت زناشویی پایین در زنان رابطه دارد. Roberts و همکاران [۱۵] رابطه بسیار بالا بین تجربه خشونت در خانواده در کودکی و همسرآزاری در بزرگسالی مشاهده کردند. Kong [۱۶] در بررسی تاثیر عوامل روانشناختی بر رضایت زناشویی و طلاق زوجین، نشان داد، درونگرایی اجتماعی و افسردگی در زنان به طور معناداری با تمایل به طلاق در آن‌ها رابطه دارد. نتایج مطالعه Lawoko و همکاران [۱۷] نشان داد که گرچه سطح تحصیلات بالا در میان زنان خطر مواجهه با همسرآزاری را کاهش می‌دهد اما شاغل بودن و داشتن وضعیت شغلی /آموزشی بالاتر از همسر، آسیب‌پذیری زنان در برابر همسرآزاری را افزایش می‌دهد. Zlotinc و همکاران[۱۸]، در بررسی پیامدهای همسرآزاری طی ۵سال گزارش کرده‌اند که زنان همسرآزاردیده، شدت نشانه‌های افسردگی و اختلال عملکرد بیشتر و حرمت خود و رضایت از زندگی پایین‌تری نسبت به زنان عادی نشان می‌دهند. مطابق پژوهش Parish و همکاران [۱۹]، عوامل خطر مرتبط با همسرآزاری شامل حسادت جنسی، عقاید مردسالاری، درآمد خانوادگی پایین، وضعیت اقتصادی اجتماعی پایین مرد و مصرف الکل بود. Vest و همکاران [۲۰]، در بررسی عوامل مرتبط با همسرآزاری منجر به طلاق و جدایی به عواملی مثل سن پایین هنگام ازدواج، درآمد پایین، فقدان بیمه درمانی، استعمال سیگار، داشتن فرزند در خانه، وضعیت سلامت ضعیف و آشفتگی‌های روانی فراوان اشاره کرده‌اند. شکرکن و همکاران [۱۱] در بررسی ویژگی‌های شخصیتی به عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست زندگی زناشویی دریافتند تفاوت زوجین متقاضی طلاق در هر پنج ویژگی روان آزرده‌خویی، برونگرایی، تجربه‌پذیری، موافق بودن و با وجدان بودن به طور معناداری بیش از زوج‌های عادی است. شیرزاد و کاظمی‌فر [۲۱]، در بررسی خود، شایع‌ترین علل طلاق را پایین بودن سطح سواد زوجین، اعتیاد، نداشتن بچه، بیکاری و فقر اقتصادی و پایین بودن سن زوجین هنگام ازدواج گزارش کرده‌اند. در مطالعه ظهیرالدین و خدایی‌فر [۲۲] نیز، رفتارهای تکاملی، روابط مختل بین فردی، خلق بی‌ثبات، خودبیمارانگاری، بدگمانی، اختلال سازگاری، افسردگی، انزوا، تفکر غیرمعمول، اضطراب، وسواس و هراس، به ترتیب بیشترین یافته‌ها در نیمرخ شخصیتی متقاضیان طلاق گزارش شده است. همان‌طور که گفته شد در بررسی علل طلاق و همسرآزاری بیشتر روی جنبه‌های اجتماعی- اقتصادی آن کار شده و کمتر به نقش علل روان‌شناختی توجه شد است. از این رو به نظر می‌رسد بررسی علل و عوامل اجتماعی- اقتصادی، فردی و روان‌شناختی در پدیده همسر آزاری و طلاق از اهمیت و ضرورت زیادی برخوردار است. در نتیجه این پژوهش درصدد مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و میزان همسر آزاری در زنان همسر آزاردیده، متقاضی طلاق و عادی شهر قم است.

## روش:

این پژوهش از نوع مورد-شاهدی بوده و جامعه آماری آن را تمامی زنان متاهل شهرقم تشکیل دادند. نمونه شامل ۶۵۴ نفر زن با حداقل یک سال سابقه ازدواج بود که برای نمونه‌گیری دو گروه زنان همسرآزاردیده و متقاضی طلاق، از بین زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده، ۳۰۰ نفر با شکایت همسرآزاری و ۲۰۰ نفر متقاضی طلاق به صورت داوطلبانه انتخاب شدند و نمونه‌گیری زنان عادی نیز از بین زنان متاهل مراجعه‌کننده به مراکز بهداشت شهر قم که سابقه مراجعه به دادگاه خانواده برای شکایت از همسرآزاری یا دادخواست طلاق نداشتند، ۱۵۴ نفر به صورت دردسترس انتخاب شدند. نمونه‌گیری طی ۶ ماه از اردیبهشت تا آبان سال ۹۲ انجام شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های زیر استفاده شد:

پرسشنامه شخصیتی NEO-FFI: این پرسشنامه شامل ۶۰ سوال است که بر اساس تحلیل عاملی نمره‌های NEO-PI که در سال ۱۹۸۶ اجرا شده بود، به دست آمده است. در باره اعتبار NEO-FFI، نتایج چندین مطالعه حاکی از آن است که زیر مقیاس‌های NEO-FFI، همسانی درونی خوبی دارند. به عنوان مثال Costa و McCrae (۱۹۹۲) ضریب آلفای کرونباخ بین ۰/۶۸ (برای موافق بودن) تا ۰/۸۶ (برای روان‌آزرده‌گرایی) را گزارش کرده‌اند. نتایج مطالعه Mooradian و Nezlek (۱۹۹۵) نیز حاکی از آن است که آلفای کرونباخ روان‌آزرده‌خویی، برونگرایی، تجربه‌پذیری، موافق بودن و با وجدان بودن به ترتیب عبارت است از ۰/۸۴، ۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۷۵ و ۰/۸۳. پرسشنامه NEO-FFI در ایران توسط گروسی (۱۳۷۷) هنجاریابی شده است. اعتبار با استفاده از روش آزمون- آزمون مجدد در مورد ۲۰۸ نفر از دانشجویان به فاصله سه ماه به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹، و ۰/۷۹ برای عوامل N(نوروزگرایی یا روان‌آزرده خویی)، E(برونگرایی)، O(تجربه پذیری یا گشودگی به تجربه)، A(موافق بودن)، C(باوجدان)، به دست آمده است. در زمینه روایی همزمان این پرسشنامه و پرسشنامه نشانگر ریخت مایرز بریکز، پرسشنامه چندجنبه‌ای شخصیتی مینه‌سوتا، پرسشنامه تجدیدنظرشده کالیفرنیا، بررسی مزاج گیلفورد و زاکرمن، فهرست رگه‌ها و مقیاس رگه بین فردی رابطه بالایی گزارش شده است[۲۳].

شاخص همسرآزاری، از سوی Hadsun و Mckintash (۱۹۸۱) برای اندازه‌گیری شدت یا میزان آزار جسمی و غیرجسمی که یک زن از طرف همسرش متحمل می‌شود، ساخته شده است. ISA یک مقیاس خودگزارش‌دهی دارای ۳۰ گویه است. ۱۱ گویه مربوط به آزاردیدگی جسمی و ۱۹ گویه مربوط به آزاردیدگی روانی می‌شود که در یک طیف پنج درجه‌ای لیکرت درجه‌بندی می‌کند. نمره برش پیشنهادی برای آزاردیدگی جسمی نمره بیشتر از ۱۰ و برای آزاردیدگی روانی نمره بیشتر از ۲۵ است[۲۴].

تحقیق‌های مختلف همسانی درونی خوبی از ۰/۸۹ تا ۰/۹۸ برای این مقیاس و دو مؤلفه آن گزارش کرده‌اند [۲۴، ۲۵ و ۲۶]. مطالعه‌های مربوط به روایی محتوا، همزمانی، ملاک و سازه نشان‌دهنده روایی این پرسشنامه هستند[۲۴ و۲۵]. در ایران نیز فاکر و همکاران (زیرچاپ) در بررسی ویژگی های روان‌سنجی این مقیاس گزارش کرده‌اند که همه گویه‌ها دارای همبستگی معنادار ($p<۰/۰۱$) با نمره کل بودند و دامنه این همبستگی‌ها از ۰/۳۹ در گویه ۳ تا ۰/۸۵ در گویه ۲۷ متغیر بود. همچنین در بررسی اعتبار مقیاس، همسانی درونی بسیار خوب از ۰/۹۱ تا ۰/۹۶ مشاهده شد.

برای تحلیل داده‌های توصیفی از شاخص‌های آمار توصیفی ، فراوانی، جدول، میانگین و انحراف استاندارد و برای تحلیل استنباطی از تحلیل کوواریانس یرای مقایسه میانگین گروه‌ها استفاده شد.

## یافته‌ها:

در پژوهش حاضر ویژگی‌های شخصیتی و میزان همسرآزاری جسمی و روانی در

[ Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-16 ]

زنان همسرآزاردیده، متقاضی طلاق و عادی مقایسه شد. نمونه شامل ۶۵۴ نفر بود که ۳۰۰ نفر زنان همسرآزاردیده با میانگین سنی ۲۸/۸۵ و انحراف معیار ۸/۵۵، ۲۰۰ نفر زنان متقاضی طلاق با میانگین سنی ۲۶/۰۸ و انحراف معیار ۷/۳۱ و ۱۵۴ نفر زنان عادی با میانگین سنی ۲۵/۸۸ و انحراف معیار ۴/۷۶ بودند. همچنین میانگین و انحراف معیار مدت ازدواج در گروه زنان همسرآزاردیده ۷/۳۶ و ۵/۹۶، در زنان متقاضی طلاق ۶/۱۰ و ۶/۶۳ و در زنان عادی ۶/۹۶ و ۴/۸۶ بود. در جدول ۱ نیز وضعیت تحصیلی زوجین در ۳ گروه ارائه شده است.

**جدول ۱: وضعیت تحصیلات زوجین در ۳ گروه**

| گروه | | زیر دیپلم | دیپلم | فوق دیپلم | لیسانس | فوق لیسانس و بالاتر |
|---|---|---|---|---|---|---|
| | | فراوانی(درصد) | فراوانی(درصد) | فراوانی(درصد) | فراوانی(درصد) | فراوانی(درصد) |
| شوهر | همسرآزاردیده | (۶۰/۲)۱۷۷ | (۱۹/۷)۵۸ | (۵/۴)۱۶ | (۹/۹)۲۹ | (۴/۸)۱۴ |
| | متقاضی طلاق | (۶۱/۲)۱۲۰ | (۲۵/۵)۵۰ | (۴/۱)۸ | (۷/۱)۱۴ | (۲)۴ |
| | عادی | (۵۱/۶)۷۹ | (۲۰/۹)۳۲ | (۵/۹)۹ | (۱۱/۸)۱۸ | (۹/۸)۱۵ |
| زن | همسرآزاردیده | (۵۲/۵)۱۵۶ | (۳۲/۷)۹۷ | (۴/۴)۱۳ | (۸/۱)۲۴ | (۲/۳)۷ |
| | متقاضی طلاق | (۴۳/۱)۸۵ | (۳۷/۶)۷۴ | (۷/۱)۱۴ | (۱۰/۷)۲۱ | (۱/۵)۳ |
| | عادی | (۴۴/۲)۶۸ | (۴۰/۹)۶۳ | (۳/۹)۶ | (۸/۴)۱۳ | (۲/۶)۴ |

همان‌طور که مشاهده می‌شود میزان تحصیلات بالاتر زوجین در گروه زنان عادی بیشتر از دو گروه دیگر است.

برای بررسی تفاوت بین ویژگی‌های شخصیتی زنان همسرآزاردیده، متقاضی طلاق و عادی از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد که نتایج در جدول ۲ آمده استهمان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود بین متغیرهای شخصیتی روان آزرده خویی، برونگرایی، تجربه‌پذیری و موافق بودن در سه گروه زنان همسر آزاردیده، متقاضی طلاق و عادی تفاوت وجود دارد. نتایج نشان داد روان آزرده خویی در گروه همسر آزاردیده بیشتر از دوگروه دیگر و موافق بودن در همسر آزاردیده‌ها بیشتر از زنان متقاضی طلاق است. همچنین میزان برونگرایی در همسر آزاردیده‌ها از زنان متقاضی طلاق کمتر و تجربه‌پذیری در زنان متقاضی طلاق بیشتر از افراد عادی است.

**جدول ۲: آزمون تحلیل واریانس یکراهه برای بررسی ویژگی‌های شخصیتی در ۳ گروه**

| متغیر | گروه ها | میانگین± انحراف معیار | سطح معناداری |
|---|---|---|---|
| روان آزرده خویی | همسرآزاری | ۲۶/۵۷± ۷/۴۷ | ۰/۰۰۰۱ |
| | طلاق | ۲۳/۷۱±۷/۲۴ | |
| | عادی | ۲۱/۸۷±۶/۳۲ | |
| برونگرایی | همسرآزاری | ۲۸/۰۴±۶/۶۱ | ۰/۰۲ |
| | طلاق | ۲۹/۶۸±۶/۶۲ | |
| | عادی | ۲۸/۵۹±۵/۸۲ | |
| تجربه پذیری | همسرآزاری | ۲۵/۹۳±۴/۱۱ | ۰/۰۴ |
| | طلاق | ۲۶/۳۹±۴/۲۱ | |
| | عادی | ۲۵/۲۶±۳/۷۲ | |
| موافق بودن | همسرآزاری | ۳۴/۰۵±۵/۶۲ | ۰/۰۰۰۱ |
| | طلاق | ۳۱/۸۹±۵/۸۵ | |
| | عادی | ۳۳/۲۰±۴/۱۸ | |
| با وجدان بودن | همسرآزاری | ۳۶/۸۴±۶/۹۲ | ۰/۱۲ |
| | طلاق | ۳۶/۴۲±۶/۳۷ | |
| | عادی | ۳۵/۵۴±۴/۴۷ | |

برای بررسی تفاوت میزان آزاردیدگی جسمی و روانی در سه گروه از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد که نتایج در جدول ۳ آمده است.

طبق جدول ۳، تفاوت میانگین‌های سه گروه در هر دو عامل آزاردیدگی جسمی و روانی معنادار است (p<۰/۰۱). همچنین نتایج نشان داد همان‌طور که انتظار

**جدول ۳: آزمون تحلیل واریانس یکراهه برای بررسی میزان آزاردیدگی در ۳ گروه**

| متغیر | گروه ها | میانگین± انحراف معیار | سطح معناداری |
|---|---|---|---|
| آزاردیدگی جسمی | همسرآزاری | ۳۵/۹۰±۸/۵۵ | ۰/۰۰۰۱ |
| | طلاق | ۲۴/۲۵±۹/۸۱ | |
| | عادی | ۱۳/۰۴±۳/۸۰ | |
| آزاردیدگی روانی | همسرآزاری | ۶۵/۵۵±۱۴/۸۴ | ۰/۰۰۰۱ |
| | طلاق | ۵۲/۹۹±۱۶/۲۴ | |
| | عادی | ۲۸/۸۳±۱۱/۴۰ | |

می‌رفت میزان آزاردیدگی جسمی و روانی در زنان همسرآزاردیده بیشتر از زنان متقاضی طلاق و عادی و در زنان متقاضی طلاق بیشتر از زنان عادی است.

و در نهایت برای بررسی تفاوت بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زنان همسرآزاردیده، متقاضی طلاق و عادی از آزمون تحلیل کواریانس استفاده شد که نتایج در جدول ۴ آمده است.

همان طور که مشاهده می‌شود سن زن و مرد، درآمد زن و مرد، مدت عقد و تعداد فرزندان در هر سه گروه زنان همسر آزاردیده، متقاضی طلاق و عادی تفاوت معنادار دارد. همچنین در متغیر تعداد فرزندان نتایج نشان داد تفاوت بین گروه زنان متقاضی طلاق با دو گروه دیگر معنادار است. یعنی زنان متقاضی طلاق به طور معناداری فرزندان کمتری نسبت به زنان همسرآزاردیده و عادی دارند.

## بحث و نتیجه‌گیری:

یافته‌های این پژوهش نشان داد روان آزرده خویی در گروه همسر آزاردیده بیشتر از دوگروه دیگر و موافق بودن در همسر آزاردیده‌ها بیشتر از زنان متقاضی طلاق است. همچنین میزان برونگرایی در همسر آزاردیده‌ها از زنان متقاضی طلاق کمتر و تجربه‌پذیری در زنان متقاضی طلاق بیشتر از افراد عادی است. در راستای این یافته تحقیق‌های پیشین مثل Sommer و همکاران [۲۷]، Kong و همکاران [۱۶] و شکرکن و همکاران [۱۱] نشان دادند که درونگرایی اجتماعی و افسردگی در زنان متقاضی طلاق با روان‌آزردگی رابطه دارد. به نظر می‌رسد وجود رگ‌های مثل رفتار تکانشی در روان آزرده خویی که در همسرآزاردیده‌ها بیش از دو گروه دیگر



[ Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-16 ]

**جدول۴: آزمون تحلیل واریانس یکراهه برای بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی در ۳ گروه**

| متغیر | گروه ها | میانگین± انحراف معیار | سطح معناداری |
|---|---|---|---|
| سن زن | همسرآزاری | ۲۸/۸۵±۸/۵۵ | ۰/۰۰۰۱ |
| | طلاق | ۲۶/۰۸±۷/۳۱ | |
| | عادی | ۲۵/۸۸±۴/۷۶ | |
| سن مرد | همسرآزاری | ۳۳/۳۳±۹/۳۶ | ۰/۰۰۰۱ |
| | طلاق | ۳۰/۷۱±۷/۴۹ | |
| | عادی | ۳۰/۶۸±۴/۹۵ | |
| درآمد زن | همسرآزاری | ۶۸/۴۹±۱۷۸/۱۴ | ۰/۰۰۳ |
| | طلاق | ۶۰/۴۱±۱۸۲/۸۹ | |
| | عادی | ۱۵/۰۳±۷۷/۸۱ | |
| درآمد مرد | همسرآزاری | ۴۴۲/۱۰±۵۴۲/۲۰ | ۰/۰۰۴ |
| | طلاق | ۵۳۱/۲۸±۶۲۸/۳۰ | |
| | عادی | ۳۲۸/۹۰±۴۹۳/۶۱ | |
| مدت عقد | همسرآزاری | ۱۱/۴۰±۱۱/۵۰ | ۰/۰۰۱ |
| | طلاق | ۱۶/۰۳±۱۴/۴۰ | |
| | عادی | ۱۲/۷۳±۱۳/۲۵ | |
| مدت ازدواج | همسرآزاری | ۷/۳۶±۵/۹۶ | ۰/۳۰ |
| | طلاق | ۶/۱۰±۶/۶۳ | |
| | عادی | ۶/۹۶±۴/۸۶ | |
| تعداد فرزندان | همسرآزاری | ۱/۴۰±۱/۵۸ | ۰/۰۰۰۱ |
| | طلاق | ۰/۶۲±۱/۰۳ | |
| | عادی | ۱/۲۹±۱/۰۳ | |

مشاهده شده، می‌تواند باعث شود این افراد خشم طرف مقابل را تحریک کنند و ویژگی آسیب‌پذیری در این‌ها باعث می‌شود در برابر استرسورها احساس ناتوانی کرده و این به نوبه خود به عدم کنترل خود در موقعیت‌های مختلف منجر شده و موقعیت مشکل را مضاعف کند. از طرف دیگر وجود رگه‌هایی مثل اضطراب، خصومت و افسردگی در عامل روان آزرده خویی آن‌ها را مستعد می‌کند که در برابر آزار، آسیب‌پذیر شوند و یک چرخه معیوب تشکیل شود. با توجه به رگه آسیب‌پذیری در روان آزرده خویی ممکن است وابستگی افراد آزرده خو مانع از تقاضای طلاق در این‌ها شود. در همین زمینه، پایین بودن برونگرایی در همسرآزاردیده‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها از درجه معاشرتی بودن، ابراز وجود و فعالیت کمتری برخوردارند. این پدیده تبیین بالا را تایید و نشان می‌دهد که همسرآزاردیده‌ها از توانایی کمتری برای حل مسئله خود برخوردارند اما متقاضیان طلاق به هرحال به یک راه حل فکر کرده‌اند و این خود می‌تواند نشان‌دهنده نوعی امید در این افراد باشد.

با توجه به بالا بودن عامل موافق بودن در همسرآزاردیده‌ها، به نظر می‌رسد این افراد در عین تحمل سختی، از همراهی و تواضع بیشتری برخوردارند و در برابر دیگران نرمش بیشتری از خود نشان می‌دهند، در حالی‌که متقاضیان طلاق به احتمال از سرسختی و خودشیفتگی بیشتری برخوردارند. همچنین با توجه به بالا بودن عامل تجربه‌پذیری در متقاضیان طلاق، ویژگی‌های این عامل بیانگر تنوع طلبی فرد و کنجکاوی فعالانه آن‌هاست و چه بسا که این رگه‌ها زمینه را برای خروج افراد متقاضی طلاق از زندگی مشترک فراهم می‌کند. رگه‌های تخیل و زیبایی‌شناسی در این عامل زمینه‌های هیجان‌طلبی و تنوع‌خواهی را در افراد افزایش داده و به احتمال گرایش فرد به نوع دیگر زندگی را تهییج می‌کند.

یافته‌های دیگر تحقیق نشان داد که میزان آزاردیدگی جسمی و روانی در زنان همسرآزاردیده بیشتر از زنان متقاضی طلاق و عادی است. این یافته در راستای پژوهش‌های شمس‌آباد و همکاران [۹]، سومر و همکاران [۲۷]، پرالتا و همکاران [۲۸]، کوکر و همکاران [۲۹]، بک و همکاران [۶] و سیف ربیعی [۷] قرار دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که بین سن زن و مرد موقع ازدواج، درآمد زن و مرد، مدت زمان عقد و تعداد فرزندان در سه گروه همسر آزاردیده، متقاضی طلاق و افراد عادی تفاوت وجود دارد به‌طوری‌که سن شوهران زنان همسرآزاردیده در مقایسه با زنان متقاضی طلاق و عادی بیشتر است. درآمد زنان همسرآزاردیده و متقاضی طلاق از درآمد زنان عادی بیشتر بود. مدت زمان عقد در گروه زنان همسرآزاردیده و افراد عادی بیشتر از افراد متقاضی طلاق است. این یافته همراستا با پژوهش پاریش و همکاران [۱۹]، وست و همکاران [۲۰]، شمس اسفندآباد و همکاران [۹] و شیرزاد و کاظمی‌فر [۲۱] و مخالف با رودریگز و همکاران [۳۰] است. آنها نشان دادند که سن پایین هنگام ازدواج، درآمد پایین، پایین بودن سطح سواد، بیکاری و نداشتن فرزند به طلاق منجر شده و وضعیت اقتصادی- اجتماعی پایین مرد و درآمد پایین، افزایش سن زوجین و مدت زمان دوران عقد همسرآزاری را افزایش می‌دهد. به احتمال داشتن درآمد توسط زنان و یک پشتوانه مالی می‌تواند تحمل اختلاف و ناراحتی را در آن‌ها کاهش داده و باعث شود تا حاضر نباشند در هر شرایطی به زندگی مشترک ادامه دهند، ازطرف دیگر به نظر می‌رسد داشتن فرزند به تحمل مشکلات و اختلاف‌ها به خاطر آینده فرزندان منجر شده و باعث می‌شود افراد به زندگی زناشویی ادامه دهند.

یکی از محدودیت‌های این تحقیق، نمونه‌گیری تنها از زنان شهر قم است که تعمیم یافته‌ها را با محدودیت مواجه می‌کند. همچنین نمونه‌گیری زنان آزاردیده تنها از مراکز پزشکی قانونی انجام شده درحالی‌که بسیاری از زنان ممکن است تحت آزارهای جسمی و روانی قرار بگیرند اما به جایی مراجعه نکنند. در همین زمینه پیشنهاد می‌شود در تحقیق‌های آتی نمونه‌گیری از شهرهای مختلف و مراکز متنوعی انجام شود تا به تصویر کامل‌تری از وضعیت زنان جامعه ایران دست یابیم.

**تشکر و قدردانی:**

این طرح با حمایت سازمان پزشکی قانونی استان قم انجام شده است. بدینوسیله از تمام همکاری‌ها در به ثمر رسیدن این طرح تشکر می‌کنیم.

[ Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-16 ]

## منـابع:


1. Kameli M. Descriptive study of the factors leaded to divorce in Iran. Disciplinary knowledge. 1386; 9(3): 180-199 (full text in persian)

2. Bahadori F, Saberi SM. Comparison between family function of divorcing couples referred by forensics organization and nondivorced couples. J Forensics. 1383; 10(34): 75-79 (full text in persian)

3. World health organization. World report on violence and health: summary. Geneva; 2002: p 15.

4. Xu X, Zhu F, O'Campo P, Koenig MA, Mock V, Campbell J. Prevalence of and risk factors for intimate partner violence in China. Am J Public Health. 2005; 95(1): 78-85.

5. Coker Al. Hallsmith P, McKeawn RE. Frequency and correlates of intimate partner violence by type : physical, sexual and psychological Battering. Am J Pub Health. 2000; 90(4)

6. Beck CJA, Walsh ME, Ballard RH, Holtzworth- munrooe A, Applegate AG, Putz JW. Divorce mediation with and without legal representation: A focus on intimate partner violence and abuse. Fam court rev. 2010; 48(4): 631-645

7. SeyfeRabiei MA, Ramezani-Tehrani F, Nadia-Hatmi Z. Spouse abuse and its relations. Women Res. 1381; 4: 5-24 (full text in persian)

8. Mirzayi H. Distribution of types of spouse abuse in the city of Isfahan. Family health. 1380; 3(2). (full text in persian)

9. Shams-Esfandabad H, Imami-Pour S, Sadrossadat SJ. Spouse abuse and its relations in married women. Rehabilitatin.1383; 5(3): 30-36 (full text in persian)

10. Shakibayi T, esmaeili M, Karami A. influence of self-differentiation training on reduction of divorcees mental problems. . J Psychology and education. 1387; 2(7): 115-131 (full text in persian)

11. Shokrkon H, Khojaste-Mehr R, Attari Y, Haghighi J, Shahni-Yeylagh M. The study of personality characteristics, social skills. attachment styles and demographic characteristics as the predictors of success or failure in marital relationship. J Psychology and education. 1385; 3(1) (full text in persian)

12. Amato PR, Cheadle JE. Parental divorce, marital conflict, and children's behavioral problems. Soc forces. 2008; 86(3): 1139-1161

13. McFarlane JM, Groff JY, O'Brien JA, Watson K. Behaviors of children who are exposed and not exposed to intimate partner violence: an analysis of 330 black, white, and Hispanic children. Pediatrics. 2003;112(3 Pt 1): 202-7.

14. Shortt JW, Capaldi DM, Kim HK, Laurent HK. The effects of intimate partner violence on relationship satisfaction overtime. Partner abuse. 2010; 1(2): 131-152

15. Roberts Al, Gilman SE, Fitzmaurice G, Decher MR, Koenen KC. Witness of intimate partner violence in childhood and perpetration of IPV in adulthood. Epidemiology. 2010; 21(6): 1-10

16. Kong SS. Impact of psychological factors on marital satisfaction and divorce proneness in clinical couples. J Korean Acad Nurs. 2008; 38(4): 550-560

17. Lawoko S, Dalal K, jiayou L, Jansson B. Social inequalities in intimate partner violence: a study of women in Kenya. Violence Vict. 2007; 22(6): 773-84.

18. Zlotinc C, Johnson DM, Kohn R. intimate partner violence and long term psychological functioning in a national sample of American women. J Interpers Violence. 2006; 2(2): 262-275.

19. Parish WL, Wang T, Laumann EO, Pan S, Luo Y. Intimate partner violence in China: national prevalence, risk factors and associated health problems. Int Fam Plan Perspect. 2004; 30(4): 174-181.

20. Vest JP, Catlin TK, Chan JJ, Brownson RC. Multistate analysis of factors associated with intimate partner violence. Am J Prevent Med. 2002; 22(3): 156-164

21. Shirzad J, Kazemifar A. Epidemiology of divorcing couples. J Forensics. 1383;10(36): 207-212 (full text in persian)

22. Zahirodin A, Khodayifar F. Study of personality profiles of divorce clients to family court. J Grace. 1382; 25: 1-8 (full text in persian)

23. Fathi-Ashtiani A, Dastani M. Psychological Tests, Personality and mental health. Tehran: Be'sat press; 1388 (Text in Persian)

24. Nguyen DV, Ostergren PO, Krantz G. Intimate partner violence against women in rural Vietnam--different socio-demographic factors are associated with different forms of violence: need for new intervention guidelines?. BMC Public Health. 2008; 11(8).

25. Feldhaus KM, Koziol-McLain J, Amsburg HL, Norton LM, Lowenstein SR, Abbott JT. Accuracy of 3 brief screening questions for detecting partner violence in the emergency department. JAMA. 1997; 277(17): 1357-61

26. Punukollu M. Domestic violence: screening made practical. J Fam practice. 2003; 52(7): 537-
543

27. Sommer R, Barnes GE, Murray RP. Alcohol consumption, alcohol abuse, personality and female perpetrated spouse abuse. Pers Indiv Differ. 1992; 13(2): 1315-1323

28. Peralta RL, Fleming MF. Screening for intimate partner violence in a primary care setting: the validity of "feeling safe at home" and prevalence results. J Am Board Fam Pract. 2003; 16(6): 525-532.

29. Coker AL, Watkins KW, Smith PH, Brandt HM. Social support reduces the impact of partner violence on health: application of structural equation models. Prev Med. 2003; 37 (3): 259-267.

30. Rodríguez MA, Sheldon WR, Bauer HM, Pérez-Stable EJ. The factors associated with disclosure of intimate partner abuse to clinicians. J Fam Pract. 2001; 50(4): 338-344.


[ Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-16 ]